

فجایع زیست‌محیطی و انسانی ایران با خشک‌شدن دریاچه ارومیه و تالاب‌های!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

دریاچه ارومیه حدود ۶/۵ تا ۸ میلیارد تن ذخیره نمک دارد که بخشی از آن در بستر دریاچه انباشته شده است. این حجم نمک به اندازه‌ای زیاد است که اگر سالانه ۲ میلیون تن از آن برداشت شود، می‌تواند حدود ۳۰۰۰ سال طول بکشد تا به پایان برسد، و برداشت آن در مدیریت بحران و احیای دریاچه نقش مهمی دارد.

برآوردهای مختلفی از حجم نمک موجود در دریاچه وجود دارد، از جمله بیش از ۶/۵ میلیارد تن و یا حتی ۸ میلیارد تن نمک در بستر آن. این ذخایر نمک به صورت رسوبات در کف دریاچه انباشته شده است و در بخش‌های عمیق‌تر دریاچه، ارتفاع این لایه‌های نمک بیش از ۴ متر تخمین زده می‌شود.

دریاچه ارومیه با وسعت متجاوز از ۵۰۰۰ کیلومتر مربع یک دریاچه وسیع آب شور در شمال غربی ایران است که بین استان‌های آذربایجان شرقی و غربی قرار دارد این دریاچه در پست‌ترین نقطه یک حوضه آبریز بسته به وسعت ۵۲۰۰۰ کیلومتر مربع قرار گرفته، که بخش کوچکی از آن در استان کردستان واقع شده است. دریاچه ارومیه، بزرگ‌ترین دریاچه داخلی ایران، یک پارک ملی و هم‌چنین یکی از بزرگ‌ترین سایت‌های رامسر ایران نیز در سال ۱۳۵۵ توسط یونسکو به‌عنوان یک ذخیره‌گاه زیستی شناخته و ثبت شد. این دریاچه توسط تعدادی تالاب‌های آب شیرین-لب‌شور احاطه شده است که بعضی از آن‌ها به‌دلیل تنوع‌زیستی‌شان دارای اهمیت جهانی هستند. ارومیه، مرکز استان آذربایجان غربی، با جمعیتی حدود ۱/۲ میلیون نفر در سال ۱۴۰۴، یکی از زیباترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای شمال غرب ایران است.

با خشک شدن بستر دریاچه، میلیون‌ها تن نمک در معرض باد قرار گرفته‌اند. کارشناسان می‌گویند طوفان‌های نمکی می‌توانند تا کیلومترها دورتر گسترش یابند و سلامتی هزاران نفر را تهدید کنند؛ موضوعی که دست کم از دو دهه گذشته از سوی کارشناسان هشدار داده می‌شد. ماشالله رزمی، پژوهشگر مسائل اتنیک و زیست محیطی در ایران، در مصاحبه با آنا‌تولی با اشاره به وضعیت بحرانی دریاچه ارومیه اعلام کرد که طبق پیش‌بینی‌ها این دریاچه آخرین نفس‌های خود را می‌کشد و تا آخر تابستان امسال کاملاً خشک خواهد شد. (خبرگزاری آنا‌تولی، ۲۰۲۳-۰۷-۲۰)

رزمی با تأکید بر این‌که با خشک شدن کامل دریاچه ارومیه زندگی ۱۵ میلیون نفر در اطراف دریاچه در معرض خطر جدی قرار می‌گیرد، افزود: ورزش با‌دها و طوفان‌های نمک امکان حیات را در تمام منطقه به شعاع ۵۰۰ کیلومتر نابود خواهد کرد و به گفته مسئول سابق سازمان حفاظت از محیط زیست کشور، شهر ۳ میلیون نفری تبریز در سال‌های آینده غیرقابل سکونت خواهد شد.



این عکس در چند روز گذشته از دریاچه ارومیه گرفته شده و در دریاچه بجای آب اکنون نمک دیده می‌شود

به این ترتیب، ایران امروز با یکی از جدی‌ترین بحران‌های زیست‌محیطی خود، یعنی بحران کم‌آبی، دست‌وپنجه نرم می‌کند. بحرانی که نه‌تنها بخش‌های کشاورزی و صنعتی را فلج کرده، بلکه سکونت‌گاه‌های انسانی، منابع طبیعی و امنیت اجتماعی را نیز تهدید می‌کند. اما چرا کشور به این مرحله رسیده است؟ آیا تغییرات اقلیمی تنها عامل بحران هستند یا باید به دلایل عمیق‌تری در عرصه عملکرد حاکمیت و سیاست‌گذاری و ساختار توسعه نیز توجه کرد؟

بحران‌های زیست‌محیطی ناشی از خشک‌شدن دریاچه‌ها، تالاب‌ها و رودخانه‌ها در ایران پایانی ندارد؛ اکنون دریای خزر هم دچار مشکل پس‌روی آب شده است. داده‌ها نشان می‌دهند پس‌روی آب خزر سه برابر شده و این روند هم‌چنان ادامه دارد.

ایران طی سال‌های اخیر با بحران جدی کاهش منابع آب مواجه شده است. تغییرات اقلیمی، افزایش دمای هوا و کاهش بارش‌ها، منابع تجدیدپذیر آب را به شدت کاهش داده و بر بسیاری از مناطق کشور اثرگذار بوده است. این بحران، به‌ویژه در کلان‌شهرها و استان‌های پرجمعیت نمود بیش‌تری یافته و چالش‌های فراوانی را در تامین آب شرب، کشاورزی و صنعت ایجاد کرده به گزارش ایسنا، تهران، به‌عنوان پایتخت و بزرگ‌ترین مرکز جمعیتی کشور، با وضعیتی بحرانی در زمینه منابع آب روبه‌رو است. سرانه پایین منابع آب تجدیدپذیر، کاهش چشم‌گیر بارش در سال‌های اخیر و بهره‌برداری بیش از ظرفیت از منابع زیرزمینی، تهران را به آستانه تنش آبی شدید رسانده است. این شرایط، نیازمند مدیریت دقیق، هماهنگی بین‌دستگاهی و اتخاذ سیاست‌های سازگار با واقعیت‌های اقلیمی است.

اکنون دریاچه ارومیه نه تنها یک اکوسیستم در حال مرگ است، بلکه هشدار جدی برای مردم و طبیعت منطقه است. سوءمدیریت منابع طبیعی، بی‌توجهی به تغییرات اقلیمی و اولویت دادن به منافع کوتاه‌مدت، چنین فجایی را به بار آورده است؛ فجایی جبران‌ناپذیر! بر اساس گزارش سازمان حفاظت محیط زیست ایران در تابستان ۱۴۰۴، سطح دریاچه ارومیه به ۵۸۱ کیلومتر مربع کاهش یافته و حجم آب آن به حدود نیم میلیارد متر مکعب رسیده است؛ ارقامی که نشان‌دهنده عمق فاجعه هستند. تصاویر ماهواره‌ای ناسا، که در گزارش اخیر NASA Earth Observatory و Kurdistan24 منتشر شده، نشان می‌دهند که بخش‌های وسیعی از بستر دریاچه کاملاً خشک شده و به نم‌زار تبدیل شده است.

بیش از ۵۰ سد در حوضه آبریز دریاچه ارومیه ساخته شده که جریان طبیعی آب به دریاچه را مختل کرده‌اند. سدهای کلیدی مانند سد بوکان بر زربینه رود. مهم‌ترین منبع تامین آب دریاچه با سدهای علویان و شهید مدنی بر آجی‌چای، با انحراف آب به سمت کشاورزی و مصارف شهری، ورودی آب به دریاچه را به شدت کاهش داده‌اند. سدهای مهاباد، سیمینه‌رود، باراندوزچای و نازلوجای نیز در این بحران نقش داشته‌اند. این سدها، که با هدف توسعه کشاورزی و تامین آب شرب احداث شدند، عملاً حقایق طبیعی دریاچه را سلب کرده و اکوسیستم آن را به مخاطره انداخته‌اند.

بستر خشک‌شده دریاچه به منبعی برای گرد و غبار نمکی تبدیل شده است. وزش باد این ذرات را به شهرهای اطراف، از جمله تبریز و ارومیه، منتقل می‌کند و خطر بیماری‌های تنفسی، آلرژی‌ها و حتی سرطان ریه را افزایش داده است. کاهش منابع آب، کشاورزی منطقه را با چالش مواجه کرده و درآمد کشاورزان را کاهش داده است. مشکلات تامین آب شرب و صنعتی، همراه با کاهش فرصت‌های اقتصادی، مهاجرت اجباری از روستاها به شهرها را افزایش داده و معیشت جوامع محلی را به خطر انداخته است.

این پیامدها نشان می‌دهند که خشک شدن دریاچه ارومیه تنها به از دست رفتن یک دریاچه محدود نمی‌شود، بلکه بحرانی است که سلامت، اقتصاد و پایداری اجتماعی منطقه را تهدید می‌کند.

دریاچه ارومیه که زمانی با ۱۵۰ کیلومتر طول و ۵۵ کیلومتر عرض از بزرگ‌ترین دریاچه داخلی و ششمین دریاچه آب شور جهان بود اکنون خشک شده است. با این حال یک کارشناس از طرحی خبر داد که می‌تواند امیدی برای نجات این دریاچه باشد.

بر اساس اظهارات پروفیسور ناصر آق، عضو هیات علمی دانشگاه ارومیه و بنیان‌گذار «پژوهشکده آرتمیا و آبزیان»، دریاچه‌ای که روزگاری ۳۵ میلیارد مترمکعب آب داشت، اکنون تنها بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب در خود جای داده است؛ آن هم فقط در بخش کوچکی در زیر میان‌گذر.

ناصر آق که در چند روز گذشته به صورت میدانی وضعیت دریاچه را بررسی کرده، می‌گوید: «این فاجعه قابل پیش‌بینی بود» تغییر اقلیم، تبدیل دریاچه به کویر نمک و تبخیر آب، کاهش بارندگی و ورودی آب، توسعه بی‌رویه کشاورزی و نبود مدیریت یک‌پارچه، همگی در کنار هم باعث خشکی دریاچه شده‌اند.»

شماری از نمایندگان مجلس و مقام‌های مسئول در ایران از آغاز روند مهاجرت روستاییان و تخلیه ساکنان مناطق اطراف دریاچه ارومیه به دلیل اثرات طوفان نمک ناشی از خشکی این دریاچه خبر می‌دهند.

رئیس هیات مدیره فدراسیون صنعت آب ایران می‌گوید دریاچه ارومیه به «بدبینانه‌ترین حالت خود» نزدیک شده و به همین دلیل، «تخلیه استان‌های مجاور ارومیه در حال آغاز شدن است.»

این فدراسیون یکی از تشکلهای بخش خصوصی صنعت آب است و نهادهای دولتی هنوز در این مورد گزارشی منتشر نکرده‌اند. اما «حاکم ممکن»، نماینده ارومیه در مجلس، نیز گفته که مهاجرت تدریجی روستائینان حوضه آبریز دریاچه شروع شده و این یک زنگ خطر جدی است.»

رضا حاجی کریم، رئیس هیات مدیره فدراسیون صنعت آب، طوفان نمک و افزایش درجه حرارت به‌خاطر انعکاس خورشید را که همه از تبعات خشک شدن دریاچه ارومیه است، «شروع ماجرا» نامیده که زندگی و زیست‌پذیری در منطقه را تحت‌تاثیر قرار داده و «از بین می‌برد.»

محمود طاهری، نماینده شبستر در مجلس، نیز با اشاره به «تهدید» سلامت مردم به دلیل طوفان‌های نمکی، خواستار رسیدگی هرچه سریع‌تر به وضعیت دریاچه ارومیه شد. طاهری در تذکری شفاهی خطاب به رئیس‌جمهور، وزیر نیرو و رئیس سازمان محیط زیست، گفت که «خاک حاصل‌خیز منطقه به خاطر وضعیت دریاچه ارومیه نابود شده و امنیت زیستی آن به خطر افتاده و کشاورزی و دامداری مردم را دچار آسیب کرده است.»

دریاچه ارومیه، که زمانی بزرگ‌ترین دریاچه داخلی ایران بود، طی دو دهه گذشته به دلیل مدیریت ناپایدار منابع آب، سدسازی گسترده و خشک‌سالی شدید، به شدت کوچک شد و در آستانه نابودی کامل قرار گرفت.

بنیان‌گذار «پژوهشکده آرتمای و آبزیان» درباره سرنوشت پرندگانی که به دریاچه ارومیه می‌آمدند می‌گوید اکنون با افزایش شوری، پرندگان وقتی وارد آب می‌شوند، نمک بدن‌شان را می‌پوشاند و توان پرواز را از دست می‌دهند و پرندگان اکنون فقط در مصب‌های آب دیده می‌شوند.

در این میان، نگرانی جدیدی چون استخراج لیتیوم از بستر نمکی دریاچه هم به مشکلات دریاچه اضافه شده است. نصرت حیدری، عضو هیات علمی دانشگاه ارومیه و متخصص در شیمی دریا، هشدار می‌دهد که استخراج لیتیوم از شورابه‌های دریاچه می‌تواند منجر به آلودگی شدید زیست‌محیطی شود.



آب یک عنصر حیاتی در زیست و زندگی انسان و سایر موجودات و به‌طور کلی طبیعت است. به‌عبارت دیگر، بدون آب فجاج بزرگی در جامعه رخ می‌دهد که گاهی غیرقابل جبران است.

خشک‌سالی، سدسازی، دکل‌های نفتی و تغییر اقلیم، سال‌هاست که جان تالاب‌های ایران را نشانه رفته است و تا امروز ۶۰ درصد از تالاب‌های ایران غبارخیز شده‌اند؛ حالا هم تعداد مناطق غبارخیز افزایش یافته، هم شدت گردوغبار در این مناطق بیش‌تر شده است. آخرین وضعیت تالاب‌ها حالا به غبارخیزی شدید رسیده است و ۵۰ سال بعد از کنوانسیون رامسر، تالاب‌های ایران در وضعیتی بحرانی قرار گرفته‌اند. در سال ۱۳۹۸ مطالعه‌ای در ایران برای شناسایی منشأ داخلی گردوغبار در داخل کشور انجام شد. طبق این مطالعه از مجموع ۳/۵ میلیون هکتار مساحت تالاب‌ها، حدود یک میلیون و ۴۶۰ هزار هکتار آن یعنی حدود ۴۲ درصد مناطق غبارخیز بودند. ایران ۴۲ نوع تالاب طبیعی دارد و بیش از ۱۴۰ تالاب در فهرست آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده یک قانون حفاظت، احیا و مدیریت تالاب‌های کشور نام برده شده است. از میان تالاب‌های داخلی، نام ۲۵ مورد از آن‌ها در کنوانسیون رامسر ثبت شده و به‌عنوان تالاب بین‌المللی شناخته می‌شوند؛ معاهده‌ای که در سال ۱۳۴۹ در شهر رامسر به تصویب رسید و حالا تعداد اعضای آن به بیش از ۱۸۰ کشور رسیده است.

آن‌ها که سال‌ها درباره وضعیت تالاب‌ها هشدار می‌دهند، می‌گویند که سازمان‌های مربوطه اطلاعات دقیقی از وضعیت تالاب‌ها نمی‌دهند؛ اطلاعاتی که ظاهراً محرمانه است. اما سؤال این‌جاست که چرا باید اطلاعات مربوط به تالاب‌ها محرمانه باشد؟ تا این اطلاعات نباشد چه‌طور می‌توان ارزش‌گذاری اکولوژیکی داشت و چ‌طور می‌توان روند تخریب را کندتر کرد.

تالاب «کمجان» در استان فارس از اواخر دهه ۸۰، با کمک جامعه محلی احیا شد و کم‌کم توانست دوباره تنوع‌زیستی خود را بازگرداند؛ روندی که نزدیک به چهار تا پنج سال زمان برد و اثرات زهکشی‌های دهه ۶۰ با ساخت آب‌بندها از بین رفت. در کنار آن اما تالاب انزلی به‌عنوان یک تالاب ساحلی با ارزش که معیشت بیش از یک میلیون نفر به آن وابسته است، به‌شدت آسیب دیده است. فعالان محیط‌زیست، هشدار دادند که به‌دنبال پس‌روی دریای خزر، انزلی هم از حالت تالاب ساحلی خارج شده و نمی‌تواند با دریا تبادلات آبی داشته باشد.

در طول ۴۶ سال گذشته، تجربه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، به یکی از تلخ‌ترین و ناکام‌ترین و فاجعه‌بارترین تجربیات سیاسی در تاریخ معاصر ایران تبدیل شده است. در دهه‌های طولانی، کشور نه تنها به اهداف اولیه خود دست نیافته، بلکه در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و دیپلماتیک با بحران‌های پُر درپی و فروپاشی‌های ساختاری روبه‌رو بوده است. مسئول مستقیم این وضعیت، حاکمیت جمهوری اسلامی و در راس همه دستگاه مخوف روحانیت به رهبری آیت‌الله خمینی و سپس علی‌خامنه‌ای بوده است.

اکنون مردم ایران نه آب دارند و نه برق؛ نه پول دارند و نه زندگی قابل‌زیست؛ نه ذره‌ای آزادی و رفاه و عدالت دارند. هر چی هست فاجعه پس فاجعه و جنگ و کشتار و اعدام و بی‌حقوقی است.

در چنین شرایطی، دریاچه‌ها و تالاب‌ها خشک شده‌اند و دلی اصلی‌اش هم نه خشک‌سالی، بلکه سوءاستفاده مدیریت و بی‌توجهی و نادانی حاکمیت است. در این میان، دریاچه ارومیه، قلب تپنده آذربایجان، یکی از شگفتی‌های طبیعی ایران است که با پهنای وسیع و آب‌های

شور خود، نقشی بی‌بدیل در تاریخ، فرهنگ و زیست‌بوم این منطقه ایفا کرده است؛ اما این جاذبه طبیعی، اکنون با چالش‌های بسیاری روبه‌رو است؛ از کاهش چشم‌گیر سطح آب گرفته تا تهدیدات زیست‌محیطی که حیات این دریاچه را به خطر انداخته است. دریاچه ارومیه، که در زبان آذری به آن «اورمو گولو» نیز می‌گویند، بزرگ‌ترین دریاچه داخلی ایران، بزرگ‌ترین دریاچه آب شور در خاورمیانه و ششمین دریاچه بزرگ آب شور در دنیا بود. این دریاچه شور در شمال غربی ایران و میان دو استان آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی واقع شده است.

متأسفانه، در دهه‌های اخیر سطح آب دریاچه ارومیه به‌طور چشم‌گیری کاهش یافته و تا سال ۱۴۰۱، حدود ۹۵ درصد از آن خشک شده است.

دریاچه ارومیه، با قدمتی طولانی، در طول تاریخ نام‌های مختلفی داشته و نقش مهمی در تمدن‌های مختلف ایفا کرده است. در دوران باستان، به نام‌هایی مانند «چی‌چست» و «اسیوتا» شناخته می‌شد و از آن برای حمل و نقل، استخراج نمک و... استفاده می‌شده است. در دوره‌های مختلف تاریخی، از جمله هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان و اسلامی، این دریاچه یک منبع اقتصادی مهم بوده و شهرهای اطراف آن، مانند تبریز، به مراکز تجاری تبدیل شده‌اند. در قرن بیستم، به دلیل فعالیت‌های انسانی و تغییرات اقلیمی، با چالش‌های زیست‌محیطی مواجه شد و سطح آب آن به‌شدت کاهش یافت.



تصویر جدید و قدیم از ساحل دریاچه ارومیه

علت خشک شدن دریاچه ارومیه

بزرگ‌ترین دریاچه نمک دنیا یکی از سرمایه‌های زیست‌محیطی در کشور ما بوده و نابودی آن زندگی ما را تهدید می‌کند. وجود دریاچه ارومیه نقش موثری در تعدیل آب‌وهوای ایران و منطقه دارد. طبیعت زیبای ایران مدیون وجود چنین سرمایه‌ای است که مورد کم‌لطفی قرار گرفته است.

دلایل مختلفی برای خشک‌سالی دریاچه ارومیه ارائه می‌شوند. بالا رفتن دمای کره زمین، کاهش بارندگی و تغییر نزولات جوی مهم‌ترین دلایل خشک‌سالی عنوان می‌شوند.

با کاهش بی‌سابقه تراز آب، دریاچه ارومیه در آستانه خشکی کامل قرار گرفته و دولت وعده داده با تخصیص اعتبار ویژه، از بروز فاجعه زیست‌محیطی جلوگیری کند.

صبح روز ۱۴ مرداد ۱۴۰۴، نشست خبری شینا انصاری معاون رییس‌جمهور و رییس سازمان حفاظت محیط زیست و معاونین سازمان با خبرنگاران این حوزه در سالن سازمان حفاظت محیط زیست برگزار شد.

در این نشست، دکتر احمدرضا لاهیجان‌زاده معاون محیط زیست دریایی و تالاب‌های سازمان حفاظت محیط زیست در پاسخ به خبرنگار تسنیم درباره پرداختن به سناریوی خشکی دریاچه ارومیه و تبعات آن به‌جای اقدامات بی‌حاصل احیای این مجموعه ارزشمند بی‌جان گفت: بر اساس آخرین آمار در ۱۱ مردادماه، تراز دریاچه ۱۲۶۹/۷۴، وسعت آن ۵۸۱ کیلومتر و حجم آب آن نیم میلیارد مترمکعب است، این در حالی است که در ۱۱ مردادماه سال ۱۴۰۳، حجم آب دریاچه ۲ میلیارد مترمکعب بوده است.

او افزود: شوربختانه اکنون تراز آب به پایین‌ترین حد رسیده است و اگر از این نیز پایین‌تر رود، دیگر عددی اعلام نمی‌شود چرا که کم‌ترین آمار ممکن همین عدد است، البته از نظر میدانی به‌واسطه افزایش دمای هوا و تبخیر شرایط از این ارقام هم بدتر خواهد شد، در نتیجه پیش‌بینی مدیرکل استان مبنی بر خشکی کامل تا پایان تابستان کاملاً درست است و، چون در پاییز نیز بعید است دریاچه آورده‌ای داشته باشد، احتمال خشکی کامل بسیار بالاست.

لاهیجان‌زاده گفت: خشک‌سالی سال آبی ۱۴۰۴-۱۴۰۳، یکی از عوامل مهم دخیل در این شرایط است و شاهد هستیم که در کشور حتی در تامين آب شرب برخی شهرها نیز با مشکل روبه‌رو هستیم.

وی درباره پیش‌بینی بدبینانه عدم احیای دریاچه نیز گفت: در مطالعات ستاد اجرایی در سال ۹۲ تا ۹۵ تمام پیش‌بینی‌ها از جمله خشکی کامل دریاچه و اثرات آن از جمله مهاجرت‌ها، بیماری‌ها، طوفان‌های گردوغبار، نابودی معیشت‌ها و... انجام شده است و بر اساس پیش‌بینی‌هایی که توسط دانشگاه‌ها انجام شده است ...

معاون سازمان حفاظت محیط زیست، تصریح کرد: دیروز جلسه‌ای در دولت درباره تزریق اعتبار ویژه برای پروژه‌های دریاچه ارومیه داشتیم و تأمین این اعتبارات دائماً پیگیری می‌شود. برنامه‌ای نیز برای سال آبی جاری داریم که به‌هرنحو ممکن از رقم خوردن فاجعه خشکی ۱۰۰ درصدی دریاچه جلوگیری شود.

به احتمال زیاد شما هم در اخبار و فضای مجازی به این تیتیر برخورد کرده‌اید که اگر دریاچه ارومیه خشک شود تا زنگان باید تخلیه شود. با وجود رعب و وحشتی که این روزها وجود دارد، بررسی علل خشک شدن دریاچه ارومیه ضروری است.

با این که گرم شدن کره زمین و تغییرات اقلیمی در خشک‌سالی دریاچه موثر هستند، اما مداخلات انسانی نباید نادیده گرفته شوند. توسعه بی‌رویه کشاورزی، روش‌های نادرست آبیاری، سدسازی نابه‌جا و بالارفتن مصرف آب، روند خشک‌سالی را سرعت بخشید.

تحقیقات فعالان محیط زیست نشان می‌دهند که در سال‌های دهه ۷۰ شمسی، مهم‌ترین دلیل خشک‌شدن دریاچه ارومیه رقم خورد. ساخت پل شهید کلاتری وسط دریاچه ارومیه به بهانه ایجاد سازندگی و توسعه باعث نابودی دریاچه شد.

جالب است بدانید که در گذشته، آب دریاچه ارومیه شامل دو بخش شور و شیرین بوده است. آب شیرین از جنوب وارد و به سمت شمال در جریان بوده است. انتقال آب از بخش پایینی دریاچه به سمت بالا باعث یکنواختی شوری دریاچه می‌شد.

احداث پل بر روی دریاچه، این گردش آب بین رودخانه را قطع کرد و این تعادل برهم خورد. نتیجه این دستکاری باعث تجمع رسوبات در اطراف شد و عمق دریاچه در این بخش‌ها کاهش یافت.

تبخیر آب در اطراف پل تاحدی بود که کارشناسان تصمیم گرفتند با ایجاد تونلی گردش آب را بازگردانند. از سوی دیگر برداشت بی‌رویه آب از دریاچه مشکلات را دوچندان کرد. کاهش بارندگی‌ها اوضاع را روزبه‌روز بدتر می‌کرد و اقدام جدی از سوی مسئولین انجام نمی‌شد.

خشک شدن دریاچه ارومیه در سال ۱۴۰۱ درصد اخبار قرار گرفت، در صورتی که دلایل آن را باید در سال‌های دورتر بررسی کرد. دست‌کاری‌های انسان در سال‌های اخیر یکی از معضلات خشکی دریاچه عنوان شده‌اند.

در مسیر رودخانه‌هایی که در حوضه آبریز دریاچه قرار دارند، تعداد زیادی سد ساخته شدند. در ابتدا احداث این سدها با عنوان پروژه‌های عمرانی مورد استقبال قرار گرفتند و عواقب این اقدامات نادیده گرفته شدند.

بد نیست بدانید که تنها در استان آذربایجان غربی ۲۲ سد ساخته شد. استان آذربایجان شرقی با احداث ۳۶ سد به این فاجعه دامن زد و در استان کردستان شاهد احداث بی‌رویه ۴ سد بودیم. احداث و بهره‌برداری از ۴۴ سد در سه دهه گذشته به‌تنهایی می‌تواند چنین بحرانی ایجاد کند.

اقدامات غیرکارشناسانه تنها به احداث سد ختم نمی‌شوند و حفر غیرمجاز چاه‌های عمیق هم در شکل‌گیری این فاجعه موثر بودند. در سال‌های اخیر، دست‌کم ۴۸ هزار حلقه چاه غیرمجاز در این منطقه حفر شدند.

حفر چاه باعث کاهش سطح آب‌های زیرزمینی شده و روند نابودی دریاچه را تسریع کرده است. مناطق اطراف دریاچه ارومیه حدود ۶۸۰ هزار هکتار را با استفاده از آب‌های زیرزمینی زیر کشت قرار دادند. بهره‌برداری بی‌رویه در سال‌های اخیر تقریباً ۳ برابر شده است.

افزایش جهانی دمای هوا در حدود ۲ درجه سانتی‌گراد بوده و باعث کمبود بارش‌های فصلی شده است. بسیاری از کارشناسان، بحران گرم‌شدن جهانی را علت اصلی خشکی دریاچه ارومیه می‌دانند؛ با این حال اشتباهات و عدم مدیریت در حفظ این سرمایه را نباید نادیده گرفت.

در نتیجه ساخت‌وسازهای صنعتی در اطراف دریاچه ارومیه، چرخش آب مختل شد و میانگین نمک و شوری آب افزایش یافت. در سال‌های اخیر، میزان نمک به بیش از ۳۴۰ گرم در هر لیتر رسید که خود تهدید جدی برای نابودی دریاچه به‌شمار می‌رفت.

افزایش میزان شوری آب و تبخیر مداوم باعث برهم‌خوردن تعادل و در نتیجه بروز فاجعه خشک‌سالی دریاچه ارومیه شد. در چند سال گذشته برخی کارشناسان پیشنهاد برداشت نمک از دریاچه ارومیه را دادند که متأسفانه موافقت نشد.

مهمترین دلیل عدم برداشت نمک از دریاچه ارومیه این بود که سازمان حفاظت محیط زیست آن را به‌عنوان پارک ملی به ثبت رسانده است. طبق قوانین این سازمان، امکان بهره‌برداری از پارک ملی وجود ندارد و مجوز این اقدام به‌هیچ‌وجه صادر نشد.

اثرات خشک شدن دریاچه ارومیه

بروز اولین نشانه‌های خشکی دریاچه ارومیه در سال‌های گذشته، فعالان محیط زیست را نگران کرد. کارشناسان در این مورد هشدارهای لازم را به مسئولان دادند، با این حال اقدامات کافی صورت نگرفت و امروز با فاجعه بزرگ مواجه هستیم.

خشک شدن دریاچه ارومیه تنها باعث از دست رفتن مهم‌ترین سرمایه کشورمان نشده است، بلکه جان مردم منطقه را به‌طور جدی تهدید می‌کند. تصاویر ماهواره‌ای به‌دست آمده از این منطقه، افزایش صفحات نمکی را به‌وضوح نشان می‌دهند.

سطوح نمکی باقی‌مانده از دریاچه ارومیه باعث تغییر شرایط جوی منطقه شده و زمین‌های حاصل‌خیز و مناطق کشاورزی را در معرض نابودی قرار می‌دهند. ذرات سمی نمک در جو معلق هستند و باعث مرگ بسیاری از موجودات منطقه می‌شوند.

از بین رفتن حیات وحش منطقه باعث برهم‌خوردن تعادل و نابودی پوشش گیاهی می‌شود. این یافته‌ها نشان می‌دهند که نابودی دریاچه برابر با نابودی کامل حیات در این منطقه خواهد بود.

در سال‌های اخیر آمار بیماری‌های تنفسی و انواع سرطان در این منطقه روبه‌افزایش بوده و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد. دانشگاه علوم پزشکی تبریز و ارومیه مطالعه جامعی از اثرات خشک شدن دریاچه بر سلامت مردم انجام دادند.

این مطالعات نشان دادند که دست‌کم ۸۸ نفر در مناطق مجاور مبتلا به بیماری‌های تنفسی ناشی از وجود ذرات نمک در هوا شدند. کارشناسان گزارش دادند که تا شعاع ۱۰۰ کیلومتری اطراف دریاچه مردم در خطر جدی قرار دارند.

۹۵ درصد دریاچه ارومیه خشک شد!

آمار غیررسمی و تحقیقات برخی کارشناسان محیط زیست نشان می‌دهند که وضعیت خشک‌سالی استان‌های آذربایجان غربی و شرقی افزایش یافته است. حفر ۹۰ هزار حلقه چاه غیر مجاز در این مناطق باعث تخلیه آب‌های زیرزمینی و نابودی دریاچه ارومیه شده است. متأسفانه اقدام برای بررسی عوامل خشک شدن دریاچه ارومیه و راهکارهای احیای آن بسیار دیر صورت گرفت. امروز با دریاچه سمی مواجه هستیم که ذرات نمک را در روستاها و شهرهای اطراف پراکنده می‌کند.

سرمایه زیست‌محیطی کشورمان باعث بالارفتن آمار فشار خون و مشکلات قلبی شده و جان مردم را تهدید می‌کند. این ذرات سمی وارد سیستم تنفسی شده و باعث بیماری‌های تنفسی و سرطان می‌شود.

براساس گزارش خبرگزاری ایسنا، آمار بیماری سرطان در این منطقه روبه‌افزایش است. بیماری‌های مربوط به چشم و مشکلات گوارشی ارتباط مستقیمی با تغییرات جوی ناشی از نابودی دریاچه ارومیه دارند.

از بین رفتن دریاچه ارومیه حیات وحش منطقه را تهدید کرده و باعث بروز بیماری‌های پوستی در بین مردم شده است. تعادل جوی مناطق اطراف دریاچه ارومیه دست‌کاری شده و سلامت مردم را در معرض خطر قرار داده است.

تحقیقات نشان می‌دهند که اثرات خشک‌شدن دریاچه ارومیه با گذشت زمان بیشتر بروز می‌کنند. قرار گرفتن در معرض ذرات سمی باعث رشد سلول‌های سرطانی در بزرگسالی کودکان امروز می‌شود.

در سال‌های اخیر، آمار مرگ و میر ناشی از سرطان و بیماری‌های تنفسی در مناطق اطراف دریاچه ارومیه به‌طور چشم‌گیری افزایش یافتند. در صورت عدم اقدام فوری، این منطقه به‌زودی غیرقابل سکونت خواهد شد.

تغییرات اقلیمی، روش‌های نادرست آبیاری در کشاورزی، احداث بی‌رویه سد و عدم مدیریت بحران باعث بروز این فاجعه در سال‌های اخیر شده است. کارشناسان و فعالان محیط زیست بسیار تلاش کردند تا جلوی این خشک‌سالی را بگیرند.

متأسفانه مسئولان این فاجعه را دست‌کم گرفتند و اقدامات به‌موقع برای مدیریت این بحران انجام نشد. مصیبت از دست رفتن زندگی هموطنان در این منطقه نتیجه سال‌ها بی‌تدبیری و سهل‌انگاری مسئولان مربوطه بوده است.



تاریخچه دریاچه ارومیه

این دریاچه عظیم، دارای تاریخچه‌ای باورنکردنی است که تاریخچه مختصر دریاچه ارومیه، به شرح زیر است:

دوران باستان

دریاچه ارومیه که در دوران باستان به نام «چی‌چست» شناخته می‌شد، از اهمیت ویژه‌ای در تاریخ ایران و منطقه‌ی آذربایجان برخوردار بوده است. نام چی‌چست به معنای «درخشان» است و به دلیل وجود ذرات معدنی معلق در آب این دریاچه که باعث درخشش آب می‌شد، به این نام معروف شده بود. اولین اشاره‌های تاریخی به این دریاچه به کتیبه‌های آشوریان در قرن نهم قبل از میلاد بازمی‌گردد. در این کتیبه‌ها، به دو نام «پارسواش» و «ماتای» اشاره شده است که به احتمال زیاد به قبایل یا مناطقی در اطراف دریاچه ارومیه اشاره داشته‌اند.

دریاچه ارومیه، هم‌چنین اهمیت مهمی در دوران پادشاهی منائیان داشت. منائیان که یکی از اقوام باستانی منطقه بودند، در حوالی قرن نهم قبل از میلاد حکومتی مستقل را در اطراف دریاچه ارومیه بنیان نهادند. این منطقه که بعدها به عنوان بخشی از قلمرو امپراتوری ماد درآمد، تحت تأثیر نیروهای نظامی و سیاسی همسایگان قدرتمند خود مانند آشور و اورارتو قرار داشت. دریاچه ارومیه در آن دوران به‌عنوان «دریاچه ماتیانوس» نیز شناخته می‌شد که نام خود را از قبیله‌ی ماتی گرفته بود.

دریاچه ارومیه نه تنها به دلیل ویژگی‌های طبیعی‌اش، بلکه به دلیل نقش مهمی که در ارتباطات تجاری و فرهنگی منطقه ایفا می‌کرد، حائز اهمیت بود. این دریاچه محل تقاطع مسیرهای تجاری مهمی بود که به گسترش فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف کمک می‌کرد. از این‌رو، چی‌چست به‌عنوان یک نقطه محوری در توسعه و شکوفایی تمدن‌های باستانی اطراف خود شناخته می‌شود.

قرون میانه

در قرون میانه، دریاچه ارومیه نقش مهمی در تاریخ ایران ایفا کرد. این دریاچه در طول زمان تغییرات بسیاری در نام و موقعیت خود تجربه کرد. در قرن‌های اولیه اسلامی، جغرافی‌دانان مسلمان به این دریاچه اشاره کرده‌اند و آن را با نام‌هایی هم‌چون «دریای شور» و «دریای کبودان» ذکر کرده‌اند. این نام‌ها به ویژگی‌های خاص دریاچه مانند شوری زیاد آب‌ورنگ خاص آن اشاره داشتند. یکی از جغرافی‌دانان برجسته به نام «ابن حوقل»، در قرن چهارم هجری در آثار خود به دریاچه ارومیه اشاره کرده و آن را «دریای کبودان» نامیده است. او به گستردگی دریاچه، وجود جزایر متعدد و اهمیت اقتصادی آن برای منطقه اشاره می‌کند. این دریاچه، هم‌چنین به‌عنوان یک نقطه ارتباطی مهم بین مناطق مختلف ایران و همسایگان آن در نظر گرفته می‌شد و به همین دلیل در متون جغرافیایی و تاریخی این دوران به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

دوران معاصر

دریاچه ارومیه که در طول تاریخ با نام‌های مختلفی شناخته شده است، در دوران معاصر دستخوش تغییراتی مهم در نام خود شد. در اوایل دهه ۱۹۳۰ میلادی، در دوره سلطنت رضاشاه پهلوی، نام این دریاچه به «دریاچه رضائیه» تغییر یافت. این تغییر نام بخشی از تلاش‌های رضاشاه برای ترویج ملی‌گرایی و فارسیسم در ایران بود. نام «رضائیه» به افتخار شخص رضاشاه انتخاب شد و نه تنها برای دریاچه، بلکه برای شهر ارومیه نیز به کار رفت.

این تغییر نام بخشی از سیاست‌های گسترده‌تر حکومت پهلوی برای یکپارچه‌سازی و تقویت هویت ملی زیر شعار ارتجاعی «یک ملت، یک پرچم، یک رهبر» بود. رضاشاه تلاش می‌کرد تا با استفاده از نام‌های جدید و مدرن‌سازی زیرساخت‌ها، هویت جدیدی برای کشور ایجاد کند که منعکس‌کننده دیدگاه‌های ملی‌گرایانه او بود. در این راستا، بسیاری از مناطق و شهرهای ایران نام‌های جدیدی به خود گرفتند که با آرمان‌های حکومت پهلوی همخوانی داشت.

پس از انقلاب مرد مایران ایران در سال ۱۹۷۹، بسیاری از این تغییرات نام دوباره به حالت قبلی بازگشت. دریاچه رضائیه نیز از این قاعده مستثنی نبود و نام تاریخی «دریاچه ارومیه» مجدداً به رسمیت شناخته شد. این بازگشت نام‌ها بخشی از تلاش‌های انقلاب اسلامی برای بازگرداندن ارزش‌ها و هویت‌های ناسیونالیستی-اسلامی بود.

موقعیت جغرافیایی

دریاچه ارومیه در شمال غربی ایران و در مرز بین دو استان آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی قرار دارد. این دریاچه که زمانی بزرگ‌ترین دریاچه خاورمیانه بود، در میان یک حوزه بسته قرار دارد که باعث می‌شود آب آن هیچ‌گاه به بیرون از دریاچه نریزد و تنها از طریق تبخیر از دست برود. این دریاچه در ارتفاع ۱۲۷۵ متری از سطح دریا قرار دارد و توسط کوه‌ها و فلات‌های مرتفع احاطه شده است که به آن زیبایی طبیعی خاصی بخشیده است.

جغرافیا و ویژگی‌های طبیعی دریاچه ارومیه

این دریاچه به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، ویژگی‌های طبیعی منحصر به فردی دارد که آن را به یک اکوسیستم مهم تبدیل کرده است. دریاچه ارومیه نه تنها از لحاظ طبیعی و زیست‌محیطی بلکه از نظر تاریخی و فرهنگی نیز اهمیت زیادی دارد.

آب‌وهوا و تأثیرات اقلیمی

منطقه اطراف دریاچه ارومیه از نظر اقلیمی خشک و نیمه‌خشک است و میزان بارندگی سالانه در این منطقه نسبتاً کم است. این شرایط اقلیمی، همراه با تبخیر بالا، موجب شده تا شوری آب دریاچه به شدت افزایش یابد. در سال‌های اخیر، تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌های مکرر به کاهش بیشتر سطح آب دریاچه دامن زده‌اند، اگرچه در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ با بارش‌های فراوان، سطح آب دریاچه تا حدی احیا شد.

حیات وحش و محیط زیست دریاچه ارومیه

دریاچه ارومیه، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین دریاچه‌های شور جهان، زیستگاه بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری منحصر به فرد است. این دریاچه که در شمال غربی ایران قرار دارد، به دلیل شرایط زیست‌محیطی خاص خود، اهمیت زیادی برای تنوع زیستی منطقه دارد. با این حال، خشک شدن تدریجی دریاچه و افزایش شوری آب، تهدیدات جدی برای گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری به وجود آورده است.

گیاهان و جانوران

دریاچه ارومیه و مناطق اطراف آن میزان بیش از ۲۰۰ گونه پرنده، ۴۱ گونه خزنده و ۲۷ گونه پستاندار است. از جمله مهم‌ترین گونه‌های جانوری می‌توان به فلامینگوها، پلکان‌ها و سایر پرندگان مهاجر اشاره کرد. هم‌چنین، در آب شور این دریاچه نوع خاصی از آرتیمیا (میگوی شورزی) زندگی می‌کند که منبع غذایی اصلی برای بسیاری از پرندگان مهاجر است. پوشش گیاهی منطقه نیز عمدتاً شامل گیاهان شورپسند است که به خوبی با شرایط سخت دریاچه سازگار شده‌اند.

تأثیر خشک شدن دریاچه بر تنوع زیستی منطق

در سال‌های اخیر، خشک شدن دریاچه ارومیه تأثیرات منفی بزرگی بر اکوسیستم منطقه داشته است. کاهش سطح آب و افزایش غلظت نمک باعث شده است که بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری منطقه با تهدید جدی روبه‌رو شوند.

به‌ویژه، کاهش تعداد پرندگان مهاجر و از بین رفتن بسیاری از زیستگاه‌های طبیعی، نمونه‌های بارزی از این تأثیرات منفی است. اگرچه تلاش‌هایی برای احیای دریاچه صورت گرفته است، اما همچنان چالش‌های زیست‌محیطی زیادی پیش روست.

تهدیدات زیست‌محیطی دریاچه ارومیه

در دهه‌های اخیر، خشک شدن دریاچه ارومیه و کاهش شدید سطح آب آن، تهدیدات جدی را برای این جزایر و زیستگاه‌های طبیعی آنها ایجاد کرده است. افزایش غلظت نمک در آب دریاچه باعث شده تا بسیاری از گونه‌های حیات وحش که به آب شیرین و شور متوسط نیاز دارند، با خطر جدی مواجه شوند. این تغییرات زیست‌محیطی منجر به کاهش تنوع زیستی در جزایر شده و برخی از گونه‌ها را در معرض انقراض قرار داده است.

از دیگر تهدیدات زیست‌محیطی می‌توان به خشک شدن تالاب‌های اطراف دریاچه اشاره کرد که تأثیرات منفی بر حیات پرندگان مهاجر داشته است. کاهش سطح آب و خشک شدن بخش‌هایی از دریاچه، همچنین باعث ایجاد طوفان‌های نمکی شده که بر کیفیت هوا و سلامت جوامع محلی تأثیرات منفی گذاشته است. این طوفان‌های نمکی نه تنها به زمین‌های کشاورزی اطراف آسیب می‌زنند بلکه تهدیدی جدی برای سلامتی انسان‌ها نیز به شمار می‌روند.

جزایر دریاچه ارومیه

دریاچه ارومیه، با بیش از ۱۰۲ جزیره، یکی از مهم‌ترین زیستگاه‌های طبیعی ایران است. این جزایر، از جمله کبودان، اشک و اسپیر، نقش حیاتی در حفظ گونه‌های حیات وحش ایفا می‌کنند. جزیره کبودان، بزرگ‌ترین جزیره دریاچه، محل زندگی گونه‌هایی مانند گوزن زرد ایرانی و قوچ ارمنی است. این جزیره به دلیل موقعیت جغرافیایی و شرایط خاص اقلیمی، یکی از بهترین پناهگاه‌های طبیعی برای حیات وحش در منطقه به شمار می‌رود.

جزیره اشک نیز یکی دیگر از زیستگاه‌های مهم این منطقه است که محل سکونت گونه‌های ارزشمندی از جانوران نظیر قوچ و میش است. این جزایر با توجه به اکوسیستم خاص خود، پناهگاهی امن برای بسیاری از پرندگان مهاجر نیز به حساب می‌آیند که هر ساله برای تغذیه و تولیدمثل به این مناطق می‌آیند.

جاذبه‌های گردشگری و تفریحات دریاچه ارومیه

دریاچه ارومیه یکی از نمادهای طبیعی و فرهنگی ایران است که نه تنها به دلیل زیبایی‌های طبیعی خود بلکه به دلیل تنوع بالای جاذبه‌ها و فعالیت‌های گردشگری مورد توجه گردشگران قرار می‌گیرد. با وجود کاهش سطح آب در سال‌های اخیر، دریاچه ارومیه همچنان جذابیت‌های فراوانی برای بازدیدکنندگان دارد. این دریاچه و مناطق اطراف آن از جمله محبوب‌ترین مقصدهای گردشگری در شمال غرب ایران هستند که تجربه‌ای منحصر به فرد از طبیعت و فرهنگ را ارائه می‌دهند.

گردشگری در دریاچه ارومیه همواره به‌عنوان یک عامل مهم اقتصادی و فرهنگی برای مردم منطقه بوده است. اما افزایش تعداد گردشگران و استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی، به‌ویژه آب، تأثیرات منفی بر محیط زیست دریاچه گذاشته است.

قایق‌سواری: در بخش‌هایی از دریاچه ارومیه که هنوز آب دارند، می‌توان با قایق گشت و گذار کرد و از زیبایی‌های دریاچه لذت برد. شنا: در برخی از نقاط ساحل دریاچه ارومیه امکان شنا کردن وجود دارد.

پرندنگری: دریاچه ارومیه زیستگاه پرندگان مختلفی از جمله فلامینگو، پلیکان، قو، اردک و ... است.

کوهنوردی: در اطراف دریاچه ارومیه کوه‌های متعددی وجود دارد که برای کوهنوردی مناسب هستند.

بازدید از بازار: بازار ارومیه یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین بازارهای ایران است که در آن می‌توان انواع سوغات و صنایع دستی را خریداری کرد.

اما کاهش سطح آب و خشک شدن بخش‌هایی از دریاچه، باعث کاهش تعداد گردشگران و در نتیجه کاهش درآمدهای ناشی از گردشگری شده است. با این حال، تلاش‌هایی برای احیای دریاچه و بازگرداندن گردشگری به منطقه در حال انجام است که می‌تواند به حفظ این میراث طبیعی و فرهنگی کمک کند.

تفریحات آبی

در گذشته، دریاچه ارومیه به دلیل وسعت و عمق مناسب، مکانی ایده‌آل برای انواع تفریحات آبی هم‌چون قایق‌سواری، شنا و حتی موج‌سواری بود. گردشگران می‌توانستند از آب شور و آرام دریاچه برای تفریح و آرامش استفاده کنند. هم‌چنین، گل‌درمانی و شنا در آب شور دریاچه که به دلیل شوری بالای آن خاصیت درمانی نیز دارد، از دیگر فعالیت‌های محبوب بوده است. امروزه، با وجود مشکلات ناشی از کاهش سطح آب، همچنان برخی از این فعالیت‌ها در بخش‌هایی از دریاچه که آب باقی مانده، ادامه دارد.



دریاچه ارومیه کجاست؟

دریاچه ارومیه در شمال غربی ایران و میان دو استان آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی واقع شده است. بخش‌هایی از آن در شهرستان‌های ارومیه، سلماس، تبریز، مرند، میاندوآب، شبستر، ماکو، خوی، چاراویماق و بناب قرار دارد. اگر قصد سفر به دریاچه ارومیه را دارید، می‌توانید از طریق مسیرهای زمینی، هوایی و ریلی به این منطقه دسترسی پیدا کنید. نزدیک‌ترین فرودگاه به دریاچه ارومیه، فرودگاه شهید باکری ارومیه است.

هم‌چنین راه‌آهن تبریز-ارومیه از میان این دریاچه عبور می‌کند و در ایستگاه‌های مختلف می‌توانید از قطار پیاده شده و به دریاچه بروید. وسعت دریاچه ارومیه حدود ۴۶۰۰ کیلومتر مربع است که از این نظر بزرگ‌ترین دریاچه داخلی ایران به شمار می‌رود که از شمال به حوضه ارس، از جنوب به کوه‌های کردستان، از غرب به کوه‌های مرزی ایران و ترکیه و از شرق به کوه‌های سهند و سبلان منتهی می‌شود. طول تقریبی دریاچه ارومیه در حدود ۱۳۵ تا ۱۵۰ کیلومتر و عرض آن برابر ۱۵ تا ۵۰ کیلومتر است. این دریاچه با دارا بودن ۲۲۰ تا ۲۸۰ گرم در لیتر از نمک‌های گوناگون به صورت محلول، در ردیف یکی از مهم‌ترین دریاچه‌های فوق اشباع از نمک محسوب می‌شود. گنجایش دریاچه ارومیه حدود ۱۲ میلیارد مترمکعب برآورد شده و عمق متوسط آن ۴ متر است.

عمق دریاچه ارومیه

دریاچه ارومیه در گذشته با طول ۱۴۰ کیلومتر و عرض ۷۰ کیلومتر یکی از بزرگ‌ترین دریاچه‌های آب شور جهان محسوب می‌شد. عمق متوسط آن بین ۶ تا ۸ متر و حداکثر عمق آن به ۲۰ متر می‌رسید. عمق دریاچه در قسمت شمالی بین ۵ تا ۶ متر و در قسمت جنوبی و جنوب غربی به ۱۴ تا ۱۷ متر می‌رسد. ۱۵ تغییر سطح آب دریاچه در ایام سال کاملاً محسوس است. در فصل تابستان، آب دریاچه حدود یک متر پائین می‌رود، به طوری که از مساحت دریاچه، حدود ۱۵۰ کیلومتر مربع آن خشک می‌شود و در سواحل دریاچه، زمین‌های باتلاقی شکل می‌گیرد. پیش از خشک شدن وسیع، عمیق‌ترین نقطه دریاچه ارومیه در قسمت‌های شمالی و شمال غربی آن قرار داشت. عمق این نقاط به طور دقیق مشخص نیست، اما بر اساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده، می‌توان گفت که در برخی مناطق به بیش از ۱۵ متر نیز می‌رسید.

اما در دهه‌های اخیر، سطح آب دریاچه به طور چشم‌گیری کاهش یافته و تا سال ۲۰۱۷ تنها ۱۰ درصد از اندازه اولیه خود باقی مانده بود. این کاهش سطح آب بیش‌تر به دلیل سدسازی، برداشت بیش از حد از منابع آبی و تغییرات اقلیمی رخ داده است.

در این دریاچه مجموعاً ۱۰۲ جزیره و صخره سنگی وجود دارد. جزیره‌های بزرگ و معروف آن از جمله قویون داغی (کبودان)، اشک داغی، اسپیر، آرزو یکی از جزایر آهکی واقع در شرق دریاچه ارومیه (مشت عثمان) و شاهی (اسلامی) روی هم رفته به ۳۲۶۴ هکتار می‌رسد که در این بین، جزیره کبودان بزرگ‌ترین آن‌ها و تنها جزیره این دریاچه است که در طول سال آب شیرین دارد. علاوه بر این جزیره‌ها که در میان وسعتی از آب شور دریاچه، در اثر بارش باران‌های بهاری و پاییزی و وجود خاک حاصلخیز، حیات گیاهی و جانوری متنوعی دارند و چهره و چشم‌انداز کم نظیری را به وجود آورده‌اند.

دره‌های موجود در جزایر دریاچه ارومیه به‌عنوان زیستگاه اصلی حیات وحش از دیگر جاذبه‌های گردشگری دریاچه ارومیه هستند. این دره‌ها عبارتند از دره جزیره کبودان، دره‌های رزرا، قوچ دره‌سری و (دره قوچ)، جن دره‌سی (دره جن)، گوله دره‌سی، شکارگاه، قره داغ بزرگ و قره داغ کوچک که به دلیل وجود چشمه‌های آب شیرین، پوشش گیاهی نسبتاً خوب، سنگ آب‌ها، دوری از محل ساختمان‌ها و مسیر حرکت شناورها، بهترین زیستگاه‌های قوچ و میش ارمنی، پلنگ و انواع پرندگان بومی و مهاجر هستند.

در جزیره اشک، دره‌های زرشک‌دره، کت دره‌سی، داغداغان، شور دره‌لار (دره‌های شور)، بایگوش دره‌سی (دره جغد) و دره امیرخان که به علت دارا بودن پوشش گیاهی بسیار خوب و سنگ آب‌های عمیق، مهم‌ترین زیستگاه گوزن زرد ایرانی هستند. در دامنه‌های شمالی و جنوبی جزیره اسپیر، دره‌های سرسبز، اسکله و کت دره‌سی با انبوه درختان و درختچه‌ها، منبع ذخیره آب ۵۰ مترمکعبی و ده منبع آب چشمه طبیعی که زیستگاه اصلی گوزن‌های مهاجر هستند.

جاذبه‌های دریاچه ارومیه

دریاچه ارومیه، با وجود مشکلات و چالش‌هایی که در سال‌های اخیر با آن روبرو بوده است، همچنان جاذبه‌های طبیعی و گردشگری زیادی دارد.

برخی از جاذبه‌های مهم دریاچه ارومیه عبارتند از:

جزایر: دریاچه ارومیه دارای ۱۰۲ جزیره است که از این تعداد ۲۲ جزیره به‌طور دائم زیر آب هستند. بزرگترین جزیره این دریاچه، جزیره اسلامی است که در سال ۱۳۸۸ به عنوان منطقه حفاظت شده ثبت رسیده است.

نمکزارها: با خشک شدن بخش‌هایی از دریاچه، نمکزارهای وسیعی در اطراف آن به وجود آمده‌اند. این نمکزارها علاوه بر زیبایی خاص خود، خواص درمانی نیز دارند.

مناطق ییلاقی: در اطراف دریاچه ارومیه مناطق ییلاقی سرسبز و خوش آب و هوایی مانند سردشت، چالدران، ماکو و خوبوچود دارد که در فصل گرم سال پذیرای گردشگران هستند.

غارها: در اطراف دریاچه ارومیه غارهای متعددی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به غار کانی براق، غار سه پلان و غار هفت قبر اشاره کرد.

چشمه‌های آب گرم: در برخی از نقاط اطراف دریاچه ارومیه چشمه‌های آب گرم وجود دارد که خواص درمانی دارند. از جمله این چشمه‌ها می‌توان به چشمه‌های قره‌گل، چشمه‌های هفت آباد و چشمه‌های بناباشاره کرد.

آثار تاریخی: در اطراف دریاچه ارومیه آثار تاریخی متعددی از دوره‌های مختلف تاریخی وجود دارد. از جمله این آثار می‌توان به قلعه شاپور، قلعه ماکو، پل دختر و مسجد جامع ارومیه اشاره کرد.

آینده دریاچه ارومیه: چالش‌ها و فرصت‌ها

کاهش شدید سطح آب و افزایش غلظت نمک به دلیل ترکیبی از عوامل مانند تغییرات اقلیمی، سدسازی، و مدیریت نادرست منابع آبی منجر به خشک شدن بخش‌های وسیعی از این دریاچه شده است. با این حال، دولت تلاش‌های لازم برای احیای این میراث طبیعی به کار نبسته که امیدهایی را برای بازگشت دریاچه به وضعیت طبیعی به پایین‌ترین سطح خود رسانده است.

طرح‌های احیای دریاچه

تلاش‌های بین‌المللی و ملی برای احیای دریاچه ارومیه از جمله مهم‌ترین اقدامات محیط‌زیستی در ایران به شمار می‌رود. یکی از برنامه‌های اصلی در این زمینه، «طرح احیای دریاچه ارومیه» (ULRP) است که توسط دولت ایران و با همکاری سازمان‌های بین‌المللی از جمله برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) اجرا می‌شود.

این طرح شامل مراحل مختلفی از جمله تثبیت وضعیت دریاچه، کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی، و ارتقای بهره‌وری آبیاری است. به‌عنوان مثال، در یکی از فازهای این پروژه، ۱۲۰۰۰ کشاورز محلی آموزش دیده‌اند تا مصرف آب خود را کاهش دهند و بهره‌وری را تا ۴۲ درصد افزایش دهند.

هم‌چنین، دولت ژاپن با کمک‌های مالی به این پروژه، نقش مهمی در پیشبرد برنامه‌های احیای دریاچه ایفا کرده است. این کمک‌ها به ایجاد فرصت‌های شغلی سبز برای زنان محلی و توسعه کشاورزی پایدار در اطراف دریاچه منجر شده است. اجرای این برنامه‌ها موجب شده تا سطح آب دریاچه به‌طور تدریجی افزایش یابد و برخی از زیست‌بوم‌های آسیب‌دیده دوباره احیا شوند.

چالش‌ها و فرصت‌ها

با وجود پیشرفت‌های ناچیز صورت گرفته، چالش‌های زیادی همچنان پیش روی احیای دریاچه ارومیه وجود دارد. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها، تغییرات اقلیمی و کمبود بارندگی است که بر میزان آب ورودی به دریاچه تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، افزایش جمعیت و نیاز روزافزون به منابع آبی برای کشاورزی، فشار بیش‌تری بر منابع آبی در حوضه دریاچه وارد می‌کند. این عوامل باعث شده‌اند که بازگرداندن دریاچه به وضعیت پیشین به یک وظیفه دشوار تبدیل شود.

از سوی دیگر، فرصت‌های زیادی نیز برای احیای دریاچه وجود دارد. افزایش آگاهی عمومی و مشارکت جوامع محلی در پروژه‌های احیای دریاچه، می‌تواند به موفقیت این طرح‌ها کمک کند. هم‌چنین، استفاده از فناوری‌های نوین در مدیریت منابع آبی و اجرای کشاورزی پایدار، می‌تواند به کاهش فشار بر منابع آبی منطقه و حفظ محیط زیست کمک کند. در نهایت، موفقیت این برنامه‌ها نه تنها برای حفاظت از یک میراث طبیعی ارزشمند بلکه برای بهبود کیفیت زندگی مردم منطقه نیز اهمیت دارد.

۲۳ سد که ۱۵ مورد آن کاربرد کشاورزی دارد

بر اساس مطالعات دانشگاه تبریز در سال ۲۰۲۰، عامل انسانی (آنتروپوژنیک) نقش اصلی و تعیین‌کننده را در رقم خوردن شرایط فعلی دریاچه ارومیه داشته است؛ در این مطالعات، نقش عوامل اقلیمی بین ۱۶ تا ۳۵ درصد و نقش عامل انسانی بین ۶۵ تا ۸۴ درصد ذکر شده است.

عوامل انسانی که در رقم خوردن وضعیت اسفناک امروز دریاچه ارومیه نقش داشته‌اند به ترتیب شامل سدسازی‌های متعدد در حوضه آبریز این دریاچه، ساخت بزرگراه شهید کلانتری، توسعه ۲۷۰ هزار هکتاری اراضی کشاورزی است که البته بیش‌تر این سدسازی‌ها نیز به منظور توسعه کشاورزی انجام شده و از ۲۳ سد فعال در این حوضه آبریز، کشاورزی در کاربرد ۱۵ سد دیده شده است.

تمرکز بر سدسازی نه تنها باعث شد که حق آبه دریاچه کاهش پیدا کند بلکه با راکد گذاشتن آب در پشت سدها، تبخیر و هدررفت آن هم بیشتر شد. حمید سینی‌ساز کارشناس آب در گفت‌وگویی که با ایسکانیوز داشت درباره میزان هدررفت آب در تبخیر گفت: براساس بیلان‌های آبی که چند سال یک بار بروزرسانی می‌شوند، تقریباً بین ۶۹ تا ۷۱ درصد ورودی آب از محل بارش، تبخیر می‌شود.

سینی ساز گفت: بحران آب بحرانی نیست که به یکباره به وجود آمده باشد. سال‌هاست که کارشناسان بر لزوم کنار گذاشتن مدیریت سطحی و حرکت به سوی مدیریت منابع آب زیرزمینی تاکید دارند، اما وزارت نیرو به دلایل اقتصادی، هم‌چنان اولویت را به پروژه‌های پرهزینه ساخت سدها، تونل‌ها و انتقال آب داده است.



ماجرای پل میان‌گذر

برخی کارشناسان معتقدند که احداث جاده‌ای در وسط این دریاچه برای اتصال استان‌های آذربایجان غربی و شرقی یکی از مواردی بود که به خشکی دریاچه کمک کرد. این بزرگراه از میان دریاچه ارومیه عبور کرده و دو استان آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی را به هم پیوند می‌دهد. احداث این بزرگراه در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۸۷ خورشیدی با پایان‌یافتن ساخت پل میان‌گذر تکمیل شد و ۲۷ آبان با حضور محمود احمدی‌نژاد رییس‌جمهور وقت افتتاح شد.

عملیات خاکریزی ۲۲ کیلومتر از مسیر ابتدایی این پروژه در سال ۱۳۵۸ به دستور شهید کلانتری وزیر راه و ترابری وقت با هدف اتصال شرق و غرب دریاچه ارومیه با سنگ‌ریزی ساحل غربی آغاز شد و هم‌زمان با انتصاب مهندس کلانتری به سمت وزارت راه، امکانات قابل ملاحظه‌ای برای سرعت بخشیدن و ساخت میان‌گذر فراهم و سنگ‌ریزی از ساحل شرقی نیز آغاز شد.

اما به تدریج با پیشروی عملیات سنگ‌ریزی و وارد شدن به مناطق مابنی و عمیق‌تر دریاچه، سستی بستر و مشکلات اجرایی و جریان آب حاصل از تنگ شدن دهانه ارتباطی بین دو طرف خاکریز، باعث کاهش سرعت ساخت میان‌گذر شد تا جایی که عملیات خاکریزی به علت ناپایداری بستر در عمل متوقف شد.

این توقف در حالی بود که از سمت ارومیه ۱۱ کیلومتر و از سمت تبریز سه کیلومتر از این میان‌گذر ساخته شده و ۱/۵ کیلومتر از بخش مابنی باقی‌مانده بود که اتمام کار با ساخت پل شناور به عنوان نخستین تجربه در سال ۱۳۶۸ به مرحله اجرا در آمد.

سپس یک پل فلزی کابلی، دو سوی خاکریز را به هم متصل کرد اما پس از ۴ ماه بهره‌برداری با وقوع طوفان نسبتاً شدیدی، در هم شکست تا اینکه در سال ۸۷ پل فعلی افتتاح شد.

در همان زمان، کارشناسان محیط زیست با این طرح مخالفت کردند و می‌گفتند که طبق ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از ابتدای امر غیرقانونی بوده است و طبق ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی در مورد تخریب محیط زیست در پارک‌های ملی، مرتکبین می‌بایست به یک ماه تا یک سال حبس نیز محکوم می‌شدند.

بعد از اینکه خشک شدن دریاچه به مرحله بحران رسید بسیاری از کارشناسان از نقش این جاده در خشک شدن دریاچه گلایه کردند اما ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۸ فرهاد سرخوش مدیر دفتر استانی ستاد احیای دریاچه ارومیه در آذربایجان غربی عنوان کرد که پل تأثیری در روند خشک شدن نداشته و متهم اصلی خاکریزهای دو سو به پل هستند. مدیر دفتر استانی ستاد احیای دریاچه ارومیه در آذربایجان غربی خاطر نشان کرد: سد خاکریز واقع در وسط دریاچه ارومیه هم سبب به وجود آمدن بحران خشکی در آن شده و از طرف دیگر سبب منحل شدن اکوسیستم دریاچه نیز شده که در آینده نزدیک با تلاش‌هایی که صورت می‌گیرد این مشکلات برطرف می‌شود.

این در حالی است که ۷ دی ۱۴۰۱، حسین دلیریان سخنگوی سازمان فضایی ایران در توییتی نوشت: پل کلانتری نقش به‌سزایی در خشک شدن دریاچه ارومیه داشته است.

وی افزود: میزان مصالح وارد شده به دریاچه برای احداث این میان‌گذر و برهم خوردن چرخه جریان‌های آبی در نیمه شمالی و جنوبی این دریاچه، یکی از عوامل تخریب اکوسیستم و خشک شدن آن است.

ظاهراً در طی این سال‌ها، بودجه هنگفتی چه از داخل و چه با کمک کشورهای دیگر برای احیای ارومیه هزینه شد اما بهتر نیست ابتدا وزارت نیرو توضیح بدهد که از ۲۳ سد تنها هشت سد کاربردی برای آب شرب دارند و چرا حق‌آبه دریاچه تأمین نمی‌شود؟ یا وزارت جهاد کشاورزی توضیح بدهد که چرا با وجود وضعیت بحرانی دریاچه، هم‌چنان بر تولید سیب تاکید دارد؟ نمی‌توان ۸۰ درصد سهم موضوعات انسانی را نادیده گرفت و تغییرات اقلیمی را مقصر دانست.

دریاچه ارومیه در شرایط نرمال دارای پنج هزار و ۴۰۰ کیلومتر مربع مساحت، ۳۲ میلیارد متر مکعب آب با شوری حدود ۲۰۰ گرم در لیتر و سطح تراز ۱/۱۲۷۷ متر بالاتر از سطح آب‌های آزاد بوده است. در شرایط نرمال، یعنی قبل از سال ۱۳۷۶، میزان آب ورودی به دریاچه به طور متوسط پنج میلیارد متر مکعب و میزان تبخیر نیز سالانه در حد هزار میلی‌متر سالانه بوده است.

وقتی تالابی زنده است یعنی اکوسیستم زنده است

تالاب‌ها، بوم‌سازهای بی‌نظیر آبی هستند که مساحت‌شان ۸۸۵ میلیون هکتار است. ایران ۱۹۰ تالاب دارد؛ یعنی بیش از سه میلیون هکتار از مساحت کشور در عرصه تالابی است. این میزان به اندازه سه درصد از مساحت کل تالاب‌های جهان است. تعداد تالاب‌های ایران، سه برابر میانگین جهانی است. یعنی اگر در جهان ۴۲ نوع تالاب شناسایی شده، ۴۱ نوع آن در ایران قرار دارد که گنجینه‌ای برای کشور ما به شمار می‌رود. تالاب‌های ایران در جنوب‌غربی آسیا بیش از ۱۴۰ گونه پرنده مهاجر و بومی را در خود دارد که ۳۰ درصد از پرندگان کشور را شامل می‌شود.

این یک تصویر کلی از اهمیت تالاب‌ها در کشور است. وقتی تالابی زنده است یعنی اکوسیستم زنده است و اگر تالاب بخشکد، نشان می‌دهد که اکوسیستم آن‌جا هم مرده است. همان‌طور که همه می‌دانند در دوم فوریه سال ۱۹۷۱ یعنی ۱۳ بهمن سال ۱۳۴۹ اولین معاهده بین‌المللی محافظت از تالاب‌ها در رامسر منعقد شد که به‌عنوان کنوانسیون رامسر معروف است. عده‌ای در خارج از کشور، رامسر را مانند یک معبد می‌دانند؛ یعنی تا این اندازه برایشان اهمیت دارد. از آن سال، حفاظت از تالاب‌ها در دستور کار سازمان حفاظت از محیط‌زیست قرار گرفت و اسکندر فیروز به‌عنوان یکی از افراد موثر در انعقاد این معاهده‌نامه هم‌سکاندار هدایت آن بود.

۲۵ تالاب در سایت رامسر ثبت شده است اما از این ۲۵ تالاب، تعداد زیادی در فهرست خطر قرار گرفته‌اند. با این همه اما با سابقه درخشانی که در حوزه تالاب‌ها داریم هنوز اطلاعات جامع و کاملی در ارتباط با آن‌ها وجود ندارد. بیش از ۵۵ سال است در این زمینه صحبت می‌شود اما حتی در زمینه نوع پوشش گیاهی، تنوع زیستی، نوع پرندگان آبزی تالاب‌ها و... اطلاعاتی وجود ندارد؛ اگر هم باشد، محرمانه است. اما چه‌طور می‌شود که اطلاعات مربوط به تالاب‌ها محرمانه باشد؟ جامعه به ویژه فعالین زیست محیطی، باید اطلاعاتی در اختیار داشته باشند تا بتوانند ارزش‌گذاری اکولوژیکی کنند و شاید هم در گذشتن روند تخریب کمی نمایند.

تالاب پریشان هم نفس‌های آخرش را می‌کشد. تنها تالاب شادگان باقی‌مانده که به دلیل حوضه‌های آبخیزداری‌ای که دارد، هنوز نفس می‌کشد. این طرح مدیریتی را در ۲۰ تالاب دیگر هم اجرا کرده‌اند اما سؤال این است که چرا با این قدمتی که وجود دارد، حضور سازمان ملل و موسسه «جایکا» ژاپن برای احیای تالاب انزلی، هم‌چنان دچار بحران است؟ به‌نظر می‌رسد که جواب همه این سؤال‌ها منفی است. می‌خواهند داستان همیشه تقصیر را به گردن تغییرات اقلیمی بیندازند؟ در حالی که در هم‌پیچیدگی‌های مدیریتی اغلب ضرباتی به جامعه می‌زند که اولین آن به محیط اقلیمی ما وارد می‌شود. مسئله بزرگی که وجود دارد این است که در دو سال اخیر، وزارت نیرو اقدام به سند زدن رودخانه‌ها و برخی تالاب‌ها به نام خود کرده، تعدادی را هم به نام خود زده است.

هرچند که فعالان محیط زیست در این زمینه اقدام کرده و شکایتی در دیوان عدالت اداری ثبت کرده‌اند تا بتوانند یک به یک این سندها را به ملت برگردانند.

یکی از دلایلی که فعالین محیط زیست را به جلسات دولتی راه نمی‌دهند این است که اطلاعاتی به آن‌ها نرسد. کارهای پژوهشی که انجام نمی‌شود اما اگر هم انجام شود، سر از ناکجا آباد در می‌آورد. این اطلاعات که مخفی و طبقه‌بندی نیست، اما روشن نیست پس چرا در اختیار آن‌ها و جامعه قرار داده نمی‌شود. حتی در سایت‌هایشان هم این اطلاعات پیدا نمی‌شود.



نتیجه‌گیری

دریاچه ارومیه، بزرگ‌ترین دریاچه داخلی ایران و یکی از بزرگ‌ترین دریاچه‌های آب شور جهان، نمادی از زیبایی‌های طبیعی و هم‌چنین چالش‌های زیست‌محیطی ایران به شمار می‌آید. این دریاچه که در شمال غربی ایران و میان دو استان آذربایجان غربی و شرقی قرار دارد، با وسعتی حدود ۵۰۰۰ کیلومترمربع، یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های طبیعی کشور است.

دریاچه ارومیه در گذشته، نه تنها یک منبع آبی برای جوامع محلی، بلکه یک زیستگاه حیاتی برای بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری بود. امروزه، با وجود کاهش چشم‌گیر سطح آب و تهدیدات زیست‌محیطی، هم‌چنان به‌عنوان یکی از میراث‌های طبیعی ایران، گردشگران بسیاری را به سوی خود جذب می‌کند.

دریاچه ارومیه به دلیل شوری بالای آب و وجود مواد معدنی خاص، یک اکوسیستم منحصر به فرد را پدید آورده است که زندگی برای گونه‌های خاصی از جلبک‌ها و موجودات میکروسکوپی مانند آرتمیا را ممکن می‌سازد. این شرایط خاص زیستی موجب شده است که در برخی فصول، رنگ آب دریاچه به رنگ‌های مختلفی هم‌چون قرمز و نارنجی تغییر کند که این پدیده به دلیل افزایش غلظت نمک و فعالیت‌های میکروارگانیسم‌ها رخ می‌دهد.

یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته دریاچه ارومیه، وجود ۱۰۲ جزیره کوچک و بزرگ در آن است. این جزایر، با توجه به شرایط طبیعی، میزبان گونه‌های مختلفی از پرندگان مهاجر و بومی هستند. برخی از این جزایر، مانند جزیره کبودان، از نظر زیست‌محیطی بسیار حائز اهمیت‌اند و به‌عنوان پناهگاه‌های حیات وحش تحت حفاظت قرار دارند.

با این حال، دریاچه ارومیه در سال‌های اخیر با مشکلات جدی مواجه شده است. کاهش شدید سطح آب دریاچه که عمدتاً به دلیل ساخت سد‌ها، استفاده بی‌رویه از منابع آبی و تغییرات اقلیمی رخ داده است، نه تنها تهدیدی برای حیات وحش و اکوسیستم منحصر به‌فرد دریاچه به شمار می‌آید، بلکه به یکی از دغدغه‌های اصلی زیست‌محیطی ایران تبدیل شده است.

تراژدی خشک شدن دریاچه ارومیه سال‌ها است که به کابوس مردم منطقه و دغدغه تمام ایرانیانی که دل در گرو ثروت‌های طبیعی کشورشان دارند، تبدیل شده است. حالا دیگر می‌توان با قاطعیت گفت که نتیجه سال‌ها اقدامات نمایشی برای احیای دریاچه، تنها لیستی از فاکتورهای دریافتی برای نهادها و مسئولانی بوده است که به فکر پر کردن جیب خودشان بودند و نه نگرانی از ثروت‌های طبیعی مردم ایران.

سازمان غیردولتی «حافظان محیط زیست ایران» در گزارشی نوشته است: «ستاد دریاچه ارومیه از بدو تاسیس تا کنون علاوه بر کمک‌های بین‌المللی، حدود شش میلیارد تومان اعتبارات دولتی دریافت کرده است.»

یک کارشناس محیط زیست ساکن تهران می‌گوید: «وقتی نیروهای متخصص یا زندان هستند یا خانه‌نشین شده‌اند و برای طرح‌هایی که بودجه برایشان در نظر گرفته می‌شود، الویت با فامیل، خانواده و دوستان مسئولان است، همین می‌شود.»

محیط زیست با دخالت‌های گسترده بشر، دست‌خوش تغییرات چشم‌گیری شده و امروزه تبعات آن را در سراسر جهان شاهد هستیم. دست‌کاری‌های انسان، تأثیرات جبران‌ناپذیری بر زیست‌بوم انواع جانوران و آبزیان خواهد داشت؛ غافل از این‌که انسان تاوان این اشتباهات و دخالت‌های بی‌مورد را خیلی زود در زندگی خود احساس خواهد کرد. نابودی دریاچه ارومیه بر اثر برداشت‌های بی‌رویه آب، احداث سد و حفر غیرمجاز چاه با سرعت زیادی اتفاق افتاد. درست است که عوامل طبیعی در خشکی دریاچه نقش داشتند، با این حال سهل‌انگاری و عدم اقدامات به‌موقع از سوی مسئولان این روند را سرعت بخشید. دریاچه ارومیه که روزگاری یکی از بزرگ‌ترین منابع طبیعی ایران بود، متأسفانه امروز تبدیل به تهدیدی جدی برای سلامت مردم شده است.

بر اساس تحقیقات مختلف، تخریب دریاچه ارومیه احتمالاً ناشی از کاهش ورودی رودخانه به دریاچه به دلیل ترکیبی از تغییرات اقلیمی و توسعه منابع آبی بوده است. تغییر اقلیم عامل اصلی این کاهش ورودی بود. با این حال، توسعه منابع آب، به ویژه استفاده از آب برای آبیاری، نقش مهمی نیز ایفا کرده است. نتایج همه مطالعات نشان می‌دهد که برای احیاء و حفظ دریاچه ارومیه اقدام عاجل لازم است.

دریاچه ارومیه نیازمند توجه جدی با دیدگاه جدید پژوهشی جامع برای تمرکز بر تغییرات اقلیمی، تنش‌های ملی و سیاسی: قحطی و سوءتغذیه، آب و هوای شدید، درگیری و بیماری‌های ناقل است. در همین حال، هوای گرم‌تر می‌تواند باعث شیوع بیماری‌های مرگ‌بار جدید شود، زیرا زیستگاه‌های انسان و حیوانات به‌طور چشم‌گیری تغییر می‌کند.

بحران دریاچه ارومیه پیوندهای پیچیده بین تخریب محیط زیست و تنش‌های سیاسی-اجتماعی را روشن می‌کند. راه‌حل‌های زیست‌محیطی باید با استراتژی‌هایی تکمیل شود که به پویایی‌های اجتماعی-سیاسی ناشی از مسائل زیست‌محیطی مانند خشک شدن دریاچه ارومیه می‌پردازد. خطرات زیاد است، زیرا اقدامات حاصل از آن سال‌ها بر روابط ملیتی و سیاست‌های زیست‌محیطی ایران تأثیر خواهد گذاشت. در همین حال، اعتراضات مصمم مردم آذربایجان و کمپین جهانی برای احیای دریاچه پيامی قدرتمند در مورد اهمیت عدالت زیست‌محیطی و حفظ میراث طبیعی ارسال می‌کند و گفتمان جهانی را در مورد این موضوعات حیاتی بیش‌تر تقویت می‌کند. اختلاس‌های نجومی مانند پرونده‌های بابک زنجانی، فساد سه‌هزار میلیاردی، فساد در شرکت‌های دولتی، نمایشی از حکومت دزدان بوده است.

اکنون ۸۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می‌کنند، در حالی که درآمد نفتی حکومت از سال ۱۳۵۷ تا امروز بیش از ۱۴۰۰ میلیارد دلار بوده است.

هم‌اکنون بیش از ۲۵۰ هزار زندانی، بسیاری بدون دسترسی به وکیل، به‌معنای نابودی عدالت و کرامت انسانی است. ممنوعیت و سانسور موسیقی، سینما، تئاتر و ادبیات، کشور را از شکوفایی فرهنگی بازداشته است.

سرکوب زنان با حجاب اجباری، تبعیض شغلی و اجتماعی، خانه‌نشینی زنان از نمادهای عقب‌ماندگی جمهوری اسلامی است. ممنوعیت احزاب و تجمعات و تعطیلی رسانه‌های مستقل باعث تک‌صدایی در فضای عمومی شده است. خشک شدن دریاچه ارومیه، تالاب هامون، بختگان، پریشان و نابودی زاینده‌رود و کارون، نتیجه سوءمدیریت کامل منابع آبی است. آلودگی هوای مرگ‌بار در شهرهای بزرگ باعث مرگ بیش از ۳۰ هزار نفر در سال شده است. پی‌توجهی به محیط زیست با نابودی جنگل‌ها، مراتع، منابع طبیعی و حیوانات بومی همراه بوده است. افزایش چشم‌گیر افسردگی و بیماری‌های روانی، نتیجه فشارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شدید بر مردم. گسترش اعتیاد، فحشا و بی‌اعتمادی اجتماعی، بیانگر سقوط اخلاقی و اجتماعی جامعه تحت جمهوری اسلامی است. در طول ۴۶ سال گذشته، تجربه جمهوری اسلامی ایران که با وعده عدالت، استقلال، و رفاه برای مردم آغاز شد، به یکی از تلخ‌ترین و ناکام‌ترین تجربیات سیاسی در تاریخ معاصر ایران تبدیل شده است. در این مدت، کشور نه تنها به اهداف اولیه خود دست نیافته، بلکه در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و دیپلماتیک با بحران‌های پی‌درپی و فروپاشی‌های ساختاری روبه‌رو بوده است. مسئول مستقیم این وضعیت، حاکمیت روحانیت به رهبری آیت‌الله خمینی و سپس علی خامنه‌ای بوده است. جمهوری اسلامی با دشمنی‌سازی مستمر با علم و دانش و شکوفایی سیاسی و اجتماعی در داخل ایران و در جهان، ایران را به یکی از عقب‌مانده‌ترین و منزوی‌ترین کشورهای جهان تبدیل کرده است. تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده، حاصل ماجراجویی‌های بی‌پایان در سیاست خارجی بوده‌اند. حمایت از گروه‌های نیابتی و هزینه‌کرد میلیاردها دلار در سوریه، لبنان، یمن و عراق در حالی انجام شد که مردم ایران در فقر و نداری زندگی می‌کنند. اکنون نیز تهدید جنگ دیگری میان جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل بر جامعه ایران سایه سنگینی انداخته است. احتمالاً جنگی به مراتب خونین‌تر از جنگ ۱۲ روزه اخیر.

برای برون‌رفت از این وضعیت، انتظار جمهوری اسلامی و مدیریت حاکم بر جامعه و طبیعت، انتظاری واهی و غیرواقعی است چرا که عامل اصلی سیه‌روزی کنونی مردم ایران و ناتبندی طبیعت، نکبت جمهوری اسلامی است. حکومتی که در طول ۴۶ سال، جز سرکوب و سانسور، زندان و شکنجه، اعدام و ترور، تنش‌آفرین و جنگ، هیچ هنر دیگری نداشته است. هنر دروغ و ریاکاری، مفت‌خوری و هنر جنگ و کشتن!

در یک جمع‌بندی واقع‌بینانه، می‌توان گفت جمهوری اسلامی در تمامی حوزه‌ها؛ از سیاست و اقتصاد گرفته تا فرهنگ و محیط زیست، با شکست‌های عمیق و ساختاری روبه‌رو بوده است. این حکومت نه تنها نتوانسته کم‌ترین رفاه، آزادی، و پیشرفت برای مردم ایران فراهم آورد، بلکه با حاکم کردن فساد، استبداد، ناکارآمدی و ظلم، مردم ایران را به سوی نابودی اخلاقی، اقتصادی و زیست‌محیطی سوق داده است. مسئول مستقیم این فاجعه تاریخی، دستگاه مخوف و مفت‌خور روحانیت و در راس آن غلی خامنه‌ای و کل دم و دستگاه عریض و طویل جمهوری اسلامی تبه‌کار و بچه‌کش است!

در چنین شرایطی، مردم ایران تنها زمانی به آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و محیط زیست سالم خواهند رسید که از کلیت جمهوری اسلامی عبور کنند و کل حاکمیت و مدیریت جامعه، در همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دیپلماسی و امنیتی در اختیار مردم قرار گیرند!

پنج‌شنبه هفدهم مهر ۱۴۰۴ - نهم اکتبر ۲۰۲۵